

# بررسی اضطراب امتحان در دانش آموزان استثنایی

نیکول هاجز / دانشگاه نورث وست ایندیانا

ترجمه: فاطمه - سوسن ابوالمعالی دامغانی / کارشناس ارشد مشاوره

## مقدمه

بنا به تعریفی که در واژه نامه‌ی امریکن هریتیج ارایه شده، اضطراب حالتی از نگرانی است که در پی وضعیت یا رویدادی تهدیدآمیز حادث می‌شود. این حالت ممکن است چنان مشهود باشد که عملکردهای طبیعی جسمی و روانی فرد را تحت تاثیر قرار دهد (پیکت، ۲۰۰۰). بسیاری از دانش آموزان در جلسه‌ی امتحان دچار اضطراب می‌شوند. این اضطراب ممکن است به اشکال مختلف نظیر تنش عضلانی، بالا رفتن ضربان قلب، عرق کردن، حس تهوع و لرزش ظهور کند (مک دونالد، ۲۰۰۱). از آنجا که به طور فزاینده بر آزمون‌های استاندارد تأکید می‌شود، دانش آموزان با آزمون‌های بیشتری مواجه می‌شوند، در نتیجه امکان دارد میزان اضطراب تا جایی افزایش یابد که مانع از پیشرفت علمی آنان شود.

گزارش‌ها حاکی از آن است که ده تا سی درصد کل دانش آموزان وقتی با فعالیتی که عملکرد آنها را ارزیابی می‌کند مواجه می‌شوند، احساس اضطراب می‌نمایند. این درصد در مورد دانش آموزان معلول بالاتر است (استرامف و فلدنر، ۱۹۹۳). به همین ترتیب، احتمال می‌رود دانش آموزان مضطرب در جلسات امتحان عملکرد ضعیف‌تری داشته باشند (پلگ - پاپکو و کلینگمن، ۲۰۰۲). لازم است مسوولان امر آموزش به منظور کمک به دانش آموزان برای غلبه بر اضطراب یا تطبیق دادن خویش با آن درک بهتری از علل اضطراب داشته باشند. اگر این علل کشف شوند، می‌توان برای تقلیل این نگرانی‌ها گام‌های مؤثری برداشت.

هدف این تحقیق بررسی درک اضطراب امتحان در دانش آموزان تحت پوشش خدمات استثنایی در دبیرستانی واقع در ناحیه‌ی مرکزی غرب آمریکا است. در جهت نیل به این هدف، تحقیق کیفی پدیدار شناسانه‌ای به شکل موردی بر روی چهل دانش آموز (بیست دختر و بیست پسر)

که به طور تصادفی از میان دانش آموزانی که از برنامه‌ی آموزش انفرادی<sup>۱</sup> (آی.ای.پی) بهره می‌برند، انتخاب شد. اطلاعات گردآوری شده برای پاسخ به پرسش تحقیق، که در پی می‌آید، به کار رفت: چنانچه دانش آموزان استثنایی حین امتحان دچار اضطراب شوند، چه نوع اضطرابی را تجربه می‌کنند؟

## مروری بر پیشینه تحقیق

اضطراب امتحان برای هر دانش آموز به شکل خاص رخ می‌دهد و امکان دارد حتی از سال‌های پیش از دبستان آغاز شود (برک، ۱۹۹۹). گزارش‌ها حاکی از آن است که بسیاری از دانش آموزان در حین امتحان متحمل فشار روحی، حالت‌های عصبی و احساس سرخوردگی می‌شوند (هایمن و پرسل، ۲۰۰۳؛ مک دونالد، ۲۰۰۱؛ برک، ۱۹۹۹). محققان متوجه شدند به احتمال زیاد دانش آموزانی که علایم اضطرابی بروز می‌دهند، نمرات کمتری بگیرند یا به هنگام ارزیابی بد عمل کنند (پلگ - پاپکو و کلینگمن، ۲۰۰۲؛ بیرنهام و ناسر، ۱۹۹۴؛ هاناکاک، ۲۰۰۱). هر دو گروه دانش آموزان معلول و غیر معلول اعلام کردند ترس از عدم موفقیت می‌تواند توانایی آنان برای تمرکز در امتحان را که برای قبول شدن ضروری است، تحت الشعاع قرار دهد (هایمن و پرسل، ۲۰۰۳؛ مک دونالد، ۲۰۰۱).

نظر دانش آموزان این بود که آنان به قدری نگران نتیجه‌ی امتحان هستند که از ارایه عملکرد مناسب باز می‌مانند. علاوه بر این، فیشر (۱۹۹۶) پی برد که اگر میزان اضطراب در دانش آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری افزایش یابد، کارآیی آنان کاهش می‌یابد. دانش آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری غالباً نگران این امر بودند که ممکن است به سبب کند خواندن، برای کامل کردن جواب‌ها وقت کم بیاورند. در نتیجه، گزارش‌ها حاکی از آن است که سایر دانش آموزان مبتلا به ناتوانی‌های

یادگیری برای تمرکز بر امتحان مشکل داشتند حین امتحان تمرکز کنند.

عدم اعتماد دانش آموز به توانایی هایش در مورد امتحان، یکی دیگر از علل اضطراب امتحان است (مک دونالد، ۲۰۰۱). اغلب دانش آموزان تحت پوشش برنامه های آموزش ویژه در گذشته با ناکامی های تحصیلی مواجه شده اند که این امر ممکن است سبب شود توانایی های خود را زیر سؤال ببرند. فالک و بریگم (۱۹۹۸) دریافتند دانش آموزانی که بیشتر وقت خود را صرف برنامه تحصیلی ویژه مستقلی می کنند، در قیاس با همسالانشان در گروه دیگر، احساس اضطراب کمتری بروز می دهند. اما اگر احساس کنند «به پای بقیه نمی رسند»، میزان اضطرابشان به شدت افزایش می یابد (مک دونالد، ۲۰۰۱).

عدم آمادگی برای امتحان نیز می تواند باعث اضطراب شود (مک دونالد، ۲۰۰۱). ممکن است دانش آموزان مبتلا به ناتوانی های یادگیری از روش های ناکارآمدی جهت آماده شدن برای امتحان استفاده کنند. کیتسانتاس (۲۰۰۲) دریافت مرور دایم مواد آزمون غالباً منتج به کسب نمرات پایین می شود چرا که دانش آموز اغلب به حفظ چیزی پرداخته که قادر به استفاده از آن نیست.

تحقیقات نشان داد هر دو گروه دانش آموزان معلول و غیر معلول اغلب توانایی لازم برای امتحان دادن را ندارند. نلسن (۲۰۰۰) و فالک و بریگم (۱۹۹۸) پی بردند که به نظر می رسد دانش آموزان نمی توانند درک کنند و قوف بر شگردهای امتحان دادن هنگام مواجهه با تکالیف دشوار تا چه حد ارزشمند خواهد بود. کمک به دانش آموزان استثنایی جهت درک این امر که چگونه امتحان بدهند تا حدود زیادی اضطراب ایشان را کاهش داد.

یکی از روش های کاستن اضطراب این است که نوع ارزشیابی را که برای قضاوت در مورد آموخته های دانش آموز به کار می رود تعدیل کنند. نلسون (۲۰۰۰) گزارش داد که هر نوع اقدام تعدیلی آشکار، نظیر بلند خواندن سوالها [برای دانش آموز]، ممکن است میزان اضطراب را افزایش دهد. دانش آموزان مبتلا به ناتوانی های یادگیری مدعی شدند اقدام های تعدیلی نظیر اختصاص دادن وقت اضافه و در اختیار گذاشتن راهنمای مطالعه،

اضطراب امتحان را در آنان کاهش می دهد (هایمن و پرسل، ۲۰۰۳).

در هر دو مورد آموزش عادی و استثنایی، دانش آموزان اعتقاد داشتند برخی اقدامات تعدیلی می تواند به اکثر دانش آموزان در جهت کاهش میزان فشار روانی که حین ارزشیابی حس می شود، کمک کند. وقتی از آنان در این مورد سؤال شد، اکثریت قریب به اتفاق دانش آموزان خواهان این بودند که بتوانند در خانه امتحان بدهند. این نحوه آزمون دادن سبب می شد دانش آموزان وقت بیشتری در اختیار داشته باشند، که احتمالاً از اضطراب آنان می کاست. گزینه ی بعد، برگزاری آزمون دسته جمعی بود. دانش آموزان اعلام کردند آزمون های دسته جمعی سبب تقویت اعتماد به نفس آنان در مورد توانایی هایشان و تسلط بر مواد آزمون می شود (نلسن ۲۰۰۰). طبق گزارش ها، سایر اقدامات تعدیلی عبارت بودند از: اجرای آزمون های چندگزینه ای به جای سوال هایی که نیاز به پاسخ های توصیفی یا کوتاه دارند، استفاده از ماشین حساب یا واژه نامه، یا در اختیار داشتن راهنمای جامع مطالعه جهت کمک به آمادگی برای آزمون.

بسیار حایز اهمیت است که دست اندرکاران امر آموزش، دانش آموزان را در کنترل اضطرابشان برای موفقیت در امتحانات یاری رسانند. از این رو، هدف این تحقیق بررسی میزان، نوع و علایم اضطرابی است که در دانش آموزان مبتلا به ناتوانی های یادگیری در حین امتحان دادن مشاهده می شود. علاوه بر این، برداشت های دانش آموزان و توصیه های مرتبط به طراحی آزمون و آمادگی برای امتحان نیز مورد توجه بوده اند.

### روش

این تحقیق منتج از تحلیل کیفی پدیدار شناسانه ای از مصاحبه های انجام شده با دانش آموزان استثنایی است. شرکت کنندگان در بررسی ما، دانش آموزان معلول تحت پوشش خدمات استثنایی در دبیرستانی واقع در ناحیه ی مرکزی غرب آمریکا بودند. نود درصد از کل جامعه ی آماری از مزایای تغذیه رایگان یا کمک هزینه ی تغذیه برخوردار بودند.

این واحد آموزش ویژه با دانش آموزانی از گروه های

## تعلیم و تربیت استثنایی

دانش آموز گردآوری شد. مجموعه سوال‌های مزبور از هر دانش آموز پرسیده شد و پاسخ‌ها بررسی و روشن گردید تا بهتر درک شود. برای دقت کار، مصاحبه‌ها بر روی نوار ضبط شدند. محققان از هر مصاحبه رونوشت تهیه کردند. در هر مصاحبه از علایم غیر کلامی و حالت بدن هر دانش آموز نیز یادداشت برداری شد. سپس هر مصاحبه کدگذاری شد و مضامین آن یادداشت گردید. اطلاعات حاصل از تحقیق پیشین به منزله‌ی مجموعه‌ای از داده‌ها و سایر منابع برای اعتبار بخشیدن به مواد تحقیق به کار رفت.

### یافته‌های تحقیق

هدف از این تحقیق بررسی درک دانش‌آموزان تحت پوشش خدمات آموزش ویژه از آزمون بود. متغیرهای آزمون و آموزگار، تحقیق پیشین و سؤال مطرح شده جملگی به تحلیل اطلاعات مربوطه‌اند. مضامین از دل فراوانی داده‌ها و منحصر به فرد بودن باز خورد شرکت کنندگان تدوین شدند. در حین تحلیل این نظام مرتبط سه مضمون اصلی آشکار شدند.

مضمون اول معرف ترس دانش‌آموزان از شکست در آزمون‌های فشرده بود. مضمون دوم حاکی از آن بود که دانش‌آموزانی که بیشتر اوقاتشان را در کلاس‌های عادی سپری می‌کنند، روش‌های ارزیابی جان‌نشین (نظیر انجام پروژه، ارایه‌ی مطلبی در کلاس) را ترجیح می‌دادند. دانش‌آموزانی که در کلاس‌های مستقل حضور داشتند آزمون‌های جور کردنی و چند گزینه‌ای را برگزیدند. مضمون سوم نشانگر این بود که برخی دانش‌آموزان در کلاس آموزش همگانی بر اهمیت درس خواندن برای امتحانات واقف هستند، اما فاقد مهارت‌های مناسب برای مطالعه و موفقیت در آزمون می‌باشند. به علاوه، دانش‌آموزان شرکت کننده در کلاس مستقل، به آمادگی برای امتحان هیچ اهمیت و ارزشی قایل نبودند. عموماً، بیشتر دانش‌آموزان به راحتی نسبت به مبحث اهمیت یا فقدان اهمیت آمادگی برای امتحان اظهار نظر کرده و از خود اشتیاق نشان دادند.

دانش‌آموزان در حین مصاحبه‌ها، نگرانی خویش را در مورد خوب آماده شدن برای امتحان و تکمیل کردن پاسخ‌ها ابراز کردند. ممکن است شکست در آزمون‌های

زیر کار کرد: ناتوانی یادگیری، معلول حسی، عقب‌مانده‌ی ذهنی خفیف، عقب‌مانده‌ی ذهنی حد وسط، آسیب‌های ناشنوایی و مبتلا به آسیب دیدگی استخوانی. ۶ مریبی آموزش ویژه در این واحد مشغول به کار بودند.

صد و بیست دانش‌آموز در برنامه‌ی آموزش ویژه ثبت نام کردند. از شش مریبی متخصص در امر آموزش ویژه چهار مریبی برگزیده شدند. سپس محقق از کلاس هر مریبی ده دانش‌آموز را بر حسب تصادف انتخاب نمود تا معرف بودن نمونه تضمین شود. بیست و سه معلول حسی، یازده عقب‌مانده‌ی ذهنی خفیف و شش دانش‌آموز مبتلا به ناتوانی یادگیری با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای آن سان که فرانکل و والن (۱۹۹۰) شرح داده‌اند، انتخاب شدند.

### یکی از روش‌های کاستن اضطراب این است که نوع ارزشیابی را که برای قضاوت در مورد آموخته‌های دانش‌آموز به کار می‌رود تعدیل کنند.

اطلاعات از طریق پرسشنامه پژوهشگر ساخته گردآوری شدند. این پرسشنامه شامل چهار سؤال بود که به منظور ارتقای سطح درک شرکت کنندگان انواع مختلفی از سؤال‌ها تحقیقی را در بر می‌گرفت. برای پاسخ دادن به سؤال تحقیق، پرسش‌های زیر مطرح شد:

الف) فرض کنید امروز امتحان مهمی از درسی که کمترین علاقه را به آن دارید، برگزار می‌شود. چه چیزهایی از ذهنتان خواهد گذشت؟ (سؤال فرضی<sup>۱</sup>)

ب) برخی آموزگاران اظهار می‌دارند اگر برای امتحان آماده باشید، هیچ اضطرابی نخواهید داشت. جواب شما به آنها چیست؟ (سؤال مخالف خوان<sup>۲</sup>)

ج) به آموزگاران‌تان چه پیشنهادی در مورد طراحی آزمون می‌دهید؟ (سؤال وضعیت مطلوب<sup>۳</sup>)

د) به نظر شما اگر یک هفته قبل برای امتحان آماده شوید این امر به کاهش اضطراب امتحان کمک می‌کند؟ (سؤال تفسیری<sup>۴</sup>)

با دانش‌آموزان شرکت کننده، در اردیبهشت ماه مصاحبه شد. هر مصاحبه (تقریباً) بیست دقیقه طول کشید. پیش از مصاحبه، اطلاعات جمعیت شناختی در مورد هر

قبلی ذهنیت منفی از امتحان ایجاد کند. مانند این مورد:  
 "من جداً عصبی ام! سعی می کنم درس بخوانم یادداشتهایم را مرور کنم، اگر راهنمای مطالعه در اختیار داشته باشم، طبق آن عمل کنم. اما همیشه این طور نیست. معمولاً وقتی سر جلسه می روم کاملاً اعتماد به نفس دارم، انگار که از پس امتحان بر خواهم آمد. بعد وقتی برگه را می گیرم همه چیز از یادم می رود. انگار نه انگار که جوابها را یک ساعت قبل وقتی داشتم درس می خواندم، می دانستم. وقتی اولین سؤال را می خوانم ذهنم کاملاً خالی می شود. بعدش فقط غصه می خورم که دردی را دوا نمی کند (مصاحبه با ماریا)".

سی و هفت دانش آموز از چهل دانش آموز اشاره کردند که اضطرابشان گهگاه به شکل مشکلات فیزیکی ظهور می کند (مثل لرزش دست، ناراحتی معده، و سردرد):  
 سرم درد می گیرد، دستانم عرق می کنند، و یکهو حالم بد می شود و همه چیزهایی را که می دانستم فراموش می کنم. از همه بدتر وقتی است که امتحان زبان انگلیسی دارم -- گاهی معده ام یک جوری می شود. اگر امتحان درست بعد از ناهار باشد، نمی توانم زیاد غذا بخورم (مصاحبه با جاش).



این امر، بر نتایج تحقیقات پیشین مبنی بر این که اضطراب امتحان می تواند مشتمل بر مؤلفه ای فیزیولوژیک باشد، صحه می گذارد (مک دونالد، ۲۰۰۱؛ هنکاک، ۲۰۰۱؛ برک، ۱۹۹۹).

دانش آموزان بهره مند از آموزش عادی، استفاده از روش های ارزیابی جانشین را برای کاستن از اضطراب امتحان ضروری دانستند. روش های ارزیابی جانشین مانند ارزیابی مطلبی در کلاس (چه به شکل مستقل یا به صورت

کار گروهی)، کار هنری، و تهیه گزارش بر روش های سنتی ارزیابی ارجحیت داده شدند. عقاید دانش آموزان، انعکاسی از یافته های نلسن (۲۰۰۰) و پری مویر و تریسی (۱۹۹۹) بود: آنجا که معتقدند وقتی دانش آموزان به شکل گروهی ارزیابی می شوند، احساس آرامش و اعتماد به نفس بیشتری می کنند. در نتیجه امکان دارد دانش آموزان در کلاس هایی که از روش های سنتی ارزیابی نظیر پرسش های چند گزینه ای، سؤال های تشریحی و آزمون های جور کردنی بهره می جویند، همچنان مضطرب باقی بمانند. گو اینکه دانش آموزانی که در کلاس های مستقل حضور داشتند آزمون های جور کردنی را به عنوان شکل دلخواه امتحان برگزیدند. این دانش آموزان مؤکداً خواهان اصلاح و تعدیل آزمون های جور کردنی بودند:

"من امتحان درس علوم را با همه اصطلاحات مهم/ش دوست دارم. خوب است که لغت ها را در یک سمت فهرست می کنند. وقتی بعضی از لغت ها را رنگ می زنی بهتر است، این طوری فهرستم آنقدرها بزرگ نمی شود و یک عالمه لغت ندارم. راستی وقتی خانم ل. لغت ها را برایم می خواند و بعدش معنی ها را می خوانیم، خیلی خوشم می آید (مصاحبه با نازن)".

دانش آموزان بر اهمیت مهارت های مطالعه آگاهی داشتند، اما کسب ابزارها و عادت های لازم مطالعه برای امتحانات کلاسی برایشان دشوار بود. محققان متوجه شدند که ممکن است فراگیری فنون امتحان دادن در کاستن از احساس اضطراب حین امتحان دادن مفید باشد (فالك و بریگهم، ۱۹۹۸؛ هایمن و پرسل، ۲۰۰۳؛ بیرنهام و ناسر، ۱۹۹۴). دانش آموزان کلاس های آموزش عادی به دنبال راهنمای مهارت های مطالعه بودند تا در امتحانات بهتر عمل کنند و آزمون های مختلفی را که توسط آموزگاران سنت گرا طرح می شود با موفقیت از سر بگذرانند. سی و چهار دانش آموز از چهل دانش آموز تحت بررسی اعلام کردند به مهارت های مطالعه ای کارآمد نظیر راهنمای مطالعه، مرور مطالب توسط آموزگار و نمونه سؤال های امتحانی نیاز دارند:

"اگر برای امتحان آمادگی داشته باشید، ممکن است بیشتر مضطرب شوید. فقط می خواهید هر چه زودتر تمامش کنید و دیگر فکرتان را نکنید. اگر امتحان لغت داشته باشیم،

## تعلیم و تربیت استثنایی

کنند (مثل در اختیار قرار دادن نمونه سؤال‌های امتحانی، راهنمای مطالعه، و مرورهای کلاسی). معلوم شد که میزان اهمیت دانش‌آموزان به محیط تحصیلی بر سطح اضطراب امتحان در آنان تأثیر می‌گذارد. در جریان این تحقیق دو گروه از یکدیگر متمایز شدند: دانش‌آموزانی که خواهان موفقیت تحصیلی بودند و آنان که نسبت به موفقیت تحصیلی کم اهمیت بودند یا به آن وقعی نمی‌گذاشتند.

### دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری مدعی شدند اقدام‌های تعدیلی نظیر اختصاص دادن وقت اضافه و در اختیار گذاشتن راهنمای مطالعه، اضطراب امتحان را در آنان کاهش می‌دهد

دانش‌آموزان خواهان موفقیت تحصیلی بخش اعظم زندگی تحصیلات خویش را در محیط واجد آموزش عادی سپری می‌کردند. آنان نمی‌خواستند از جانب همکلاسانشان برچسب نفهم یا کودن بخورند. این فشار مضاعف برای تأیید شدن از سوی گروه همسالان احتمالاً سطح اضطراب امتحان در دانش‌آموزان را افزایش می‌داد (فالک و بریگم، ۱۹۹۸). به علاوه، این دانش‌آموزان فاقد مهارت‌های مطالعه بودند که سبب می‌شد تلاششان برای خوب عمل کردن در آزمون بی نتیجه بماند. از قضا، هر دانش‌آموز در کلاس مهارت‌های مطالعه شرکت کرده بود. هر چند، تعداد زیادی از دانش‌آموزان در برابر کاربرد مهارت‌های آموخته شده در کلاس‌هایشان مقاومت کردند.

استفاده از روش‌های ارزیابی جانشین راهکاری است که دانش‌آموزان به عنوان روشی برای کاستن اضطراب امتحان به آن اشاره کردند. برخی دانش‌آموزان خاطر نشان کردند که فکر آرایه‌ی مطلبی در کلاس برای بعضی‌ها از امتحان دادن به شیوه‌ی سنتی دلچسب‌تر است. نلسن (۲۰۰۰) با این امر موافق بود و پیشنهاد کرد ارزیابی جانشین ممکن است احتمال وجود محدودیت زمانی که سبب افزایش سطح اضطراب در برخی دانش‌آموزان می‌شود را منتفی کند.

سطح اضطراب در دانش‌آموزانی که بخش اعظم

گاهی اوقات کارت‌های راهنما درست می‌کنم. یادداشتهایم را دوره می‌کنم یا گاهی به فصل مربوطه نگاهی می‌اندازم. اگر آموزگار راهنمای مطالعه در اختیارم بگذارد یا شما بتوانید چیز به درد بخوری به ما بدهید، کمک بزرگی خواهد بود. اگر بخواهم به تنهایی درس بخوانم همیشه چیزی را که سر امتحان نمی‌آید می‌خوانم و نمره نمی‌آورم (مصاحبه با جیک)."

شش دانش‌آموز باقی مانده مطالعه برای هر نوع آزمون را فاقد ارزش عملی دانستند. گویا این دانش‌آموزان انگیزه‌ی علمی چندانی برای فعالیت‌های کلاسی نداشتند. اظهار نظرهای این دانش‌آموزان منفی بود: «برایم مهم نیست»، «مزخرف است»، «به هر حال اهمیتی ندارد». جیم که دست به سینه نشسته بود پاسخ داد:

"برایم مهم نیست. هیچ چیز در مغزم فرو نمی‌رود. توی کلاس وقت گذرانی می‌کنم. درس نمی‌خوانم. از خواندن راهنمای مطالعه بیزارم. یکی از معلمها و ادارمان می‌کند برای هر امتحانی کارت‌های راهنما درست کنیم. درستشان می‌کنم ولی ازشان استفاده نمی‌کنم. به نظرم امتحان دادن کار مزخرفی است."

اندرمن و هیکس - میگلی (۱۹۹۸) دریافتند که ممکن است درک دانش‌آموزان از تجربه‌های قبلی انگیزه‌ی آنان را افزایش دهد. وقتی اکثر تجارب دانش‌آموز مبتنی بر شکست بوده است، احتمال بیشتری دارد وی زمان و انرژی لازم برای موفقیت صرف نکند (فالک و بریگم، ۱۹۹۸). نکته‌ای که در حین فرآیند مصاحبه روشن شد این بود که دانش‌آموزانی که بخش اعظم تحصیلات خویش را در محیط واجد آموزش عادی سپری می‌کنند، به موفقیت علمی و آمادگی برای امتحان اهمیت می‌دهند. حال آنکه دانش‌آموزانی که قسمت اعظم تحصیلات آنان در محیط بهره‌مند از شرایط تحصیل مستقل می‌گذرد، انگیزه کمی برای موفقیت علمی و آمادگی برای امتحانات یا سایر اشکال ارزشیابی دارند.

### یافته‌های ثانویه

با استفاده از اطلاعات بدست آمده از این تحقیق می‌توان گفت آموزگاران باید بر ارزش عملی آمادگی برای امتحان به منظور تقویت درک عمومی از آزمون تأکید



متفاوت باشد. ممکن است نظام بسته است الزاماً یک قاعده نباشد، بلکه یک استثنا است.

از آنجا که این تحقیق با استفاده از تحلیل کیفی پدیدار شناسانه‌ای طرح و اجرا شده است، به روش‌های کمی نیز باید توجه شود. اگرچه حقایق و یافته‌ها به مذاقمان خوش آیند، باید متوجهی محدودیت‌های تحقیقات کیفی نیز باشیم. بررسی کمی جامعی می‌تواند کمک کند تا برداشت‌های دانش‌آموزان استثنایی از اضطراب آزمون را بهتر درک کنیم.

با وجود به محدودیت‌های این تحقیق، محققان هنوز بر این باورند که این یافته‌ها می‌تواند به یافته‌های دیگر درک اضطراب آزمون در دانش‌آموز را افزوده شود. همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، می‌بایست اضطراب آزمون دانش‌آموزان به صورت دوره‌ای تحلیل شود تا اطمینان حاصل شود که این امر فرآیند تحصیلی آنان را مختل نمی‌کند.

پس از تحلیل اطلاعات گردآوری شده از این تحقیق باید در نظر داشت که دانش‌آموز دارای نیازهای ویژه بودن دشوار است. موفقیت این دانش‌آموزان نه فقط به آموزگاران، بلکه به میزان حمایت مدرسه، اجتماع، اولیا و انگیزه‌ی شخصی خود آنان برای موفقیت بستگی دارد. از این رو، لازم است تحقیقات بیشتری به عمل آید تا نسبت به اضطرابی که دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه‌ها در حین ارزیابی شدن تجربه می‌کنند، درک عمیق‌تری حاصل شود.

زندگی تحصیلات خویش را در محیط بهره‌مند از شرایط تحصیل مستقل سپری می‌کردند، بسیار پایین بود. فقط سه دانش‌آموز در مواجهه با شرایط امتحان دادن، کمی عصبی شدند. سایر دانش‌آموزان علاقه‌ی کمی به آماده شدن برای امتحان یا یادگیری فنون امتحان دادن از خود بروز دادند. لازم است مسؤولان امر آموزش بر اهمیت موفقیت تحصیلی و تاثیر دیرپای آن در برنامه‌های آتی فرد تاکید کنند. افزایش سطح اضطراب دانش‌آموزان ممکن است مشوق آنان برای پیشرفت علمی شود.

### خلاصه و نتیجه

اگرچه محققان اعتقاد داشتند که تجارب شرکت کنندگان در این تحقیق نماینده‌ی اضطرابی است که هر دانش‌آموز دبیرستانی در برنامه‌ی آموزش ویژه ممکن است تجربه کند، لیکن تحقیقات بیشتری لازم است تا به مجموعه دانسته‌های مربوط به این حیطه افزوده شود. این حقیقت که نظام بسته منتج از همین برنامه‌ی آموزش ویژه است، شاید نقصی بالقوه باشد. از این رو، لازم است که تحقیقاتی برای کاوش و قیاس شرکت کنندگان برنامه‌های مختلف به عمل آید. ممکن است فضا و انتظارات در محیط‌های آموزشی مختلف متفاوت باشد. ممکن است طرز تلقی دانش‌آموزان، آموزگاران و منطقه‌ی آموزشی، همچنین اولیای دانش‌آموزان فرق کند. شکی نیست که اکثریت قریب به اتفاق دانش‌آموزان نوعی اضطراب آزمون را تجربه کرده‌اند. گو اینکه امکان دارد سطح اضطرابی که دانش‌آموزان تجربه می‌کنند در سایر مناطق آموزشی

زیر نویس ها:

1. individualized education plan (IEP)
2. Hypothetical Question
3. Devil's Advocate Question
4. Ideal Position Question
5. Interpretive Question
6. bound system

منبع:

National Social Science Association (An Interdisciplinary Association for the 21st. Century).  
[online] Available: [http://www.nssa.us/25\\_2/25-2,2007,Hodges A Study.htm](http://www.nssa.us/25_2/25-2,2007,Hodges A Study.htm)